



کمپ شهید سلیمانی

۱۷۰ چادر سفید
وزد هلال احمر
در کمپ شهید
سلیمانی فیروز
کنار هم ردیف
شده‌اند. تعدادی از
چادرها داخل سالن
سروشیده و بقیه
هم داخل محوطه.
همه‌ی بچه‌ها و
توپ بازی‌شان فضا
را پر کرده است



عکس‌ها: نعیم احمدی / ایران

بازگشت زندگی به شهر، یک ماه پس از زلزله خوی (بخش اول)

بیم و امید در سرزمین آفتابگردان

گزارش

یوسف حیدری
خبرنگار اعزامی

۴۱۰

خانه

در نقاط

مختلف شهر

کانکس‌هایی

قرار دارد که

روی آنها نام

اهدانکنده

نوشته شده

است. از

هنرپیشه‌ها

و ورزشکاران

تا باشگاه‌های

ورزشی و خیران

خارج از کشور.

۴۱۰ خانه در

منطقه فیروزق

تخریب شده

و ۱۵۰۰ منزل

مسکونی آسیب

دیده است.

حالا چشم

بی‌سرپناهان

زلزله به

تسهیلات

دولتی و

کمک‌های

خیران برای

بازسازی

خانه‌های

ویران شده

است



خسارت خانه‌ها هستند. در نقاط مختلف شهر کانکس‌هایی قرار داده شده است. از هنرپیشه‌ها و ورزشکاران تا باشگاه‌های ورزشی و منطقه فیروزق تخریب شده و ۱۵۰۰ منزل مسکونی آسیب دیده است. حالا چشم بی‌سرپناهان زلزله به تسهیلات دولتی و کمک‌های خیران برای بازسازی خانه‌های ویران شده است.

صدای پتک از ورودی کوچه به گوش می‌رسد. انتهای کوچه ویران شده بهرور ۲ که می‌رسیم با در نیمه‌بازی مواجه می‌شویم. پسر خردسال کنار برادرش آجرهای روی زمین را جمع می‌کند. محمدرضا ترکه‌های دیوار خانه‌شان را نشان می‌دهد و می‌گوید: یک ماه است سرپناهی نداریم و در چادر زندگی می‌کنیم. شب زلزله پدم خواب بود و من با برادرم بازی می‌کردم. صدای مهیبی آمد و بسرعت به حیاط

پای من آسیب دید و به هر سختی که بود بیرون آمدم. دیوارهای خانه ترک برداشت. چون ۷ سال قبل این خانه را ساختیم سقف روی سرمان نیامد. پدر متوجه حرف‌های ما می‌شود و پتک را کنار می‌گذارد. می‌گوید دیسک کمر دارد اما مجبور است هر چه زودتر خانه را تعمیر کند. «کارشناسان بنیاد مسکن گفتند خانه ما جزو خانه‌هایی است که باید تعمیر شود. گفتند دیوارهای آشیزخانه و اتاق خواب را که ترک خورده خراب کنیم تا با وامی که می‌دهند ساخت‌وساز داخل خانه را شروع کنیم. از شب زلزله با بچه‌ها اول خیابان در چادر زندگی می‌کنیم. شب‌ها از سرما با کاپشن و کلاه می‌خوابیم. کمک‌رسانی‌ها بخوبی انجام شد و مردم شهرهای مختلف ما را شرمند و لطف و مهربانی‌های‌شان کردند. بخشداری و فرمانداری هم چادر و

وسایل گرمایشی به ما دادند. اما مهم‌ترین خواسته ما خانه است و اینکه زودتر خانه‌هایمان درست شود و به زندگی عادی برگردیم.» مسکن آذربایجان شرقی مشغول با راهنمایی مردی که کنار دیوار ایستاده خاک‌های آوار را داخل کامیون می‌ریزد. مرد با چهره خاک‌گرفته سیگاری روشن می‌کند و یک عمیقی به آن می‌زند. می‌گوید همه زندگی‌اش در چند ثانیه خراب شد. «آن شب همه وحشت کرده بودیم. اما قبل از طلوع آفتاب کمک‌ها به ما در این منطقه سرازیر شد و همین به ما دلگرمی داد. مسئولان قول داده‌اند این بار با نقشه مهندسی و مصالح رایگان و وامی که می‌دهند خانه‌هایمان بسازیم. البته باید در بازدید و ارزیابی خانه‌ها سرعت بیشتری داشته باشند.»

چند خیابان بالاتر مراسم گلگونی در فضای مجازی که خودشان در آن شرکت کرده‌اند. مردم از برخی دیگر از روستاهای فیروزق ۸۰ باب خانه تخریب شده و در برخی دیگر از روستاها تا ۴۰ باب خانه آسیب دیده است. بعد از زلزله ترکیه و اظهارات قدری در فضای مجازی که خودشان در آن شرکت کرده‌اند. مردم از اینکه رضای کشتکار بخشدار فیروزق با ما همراه می‌شود تا از نزدیک وضعیت خانه‌هایی را که تخریب شده و کمپ‌هایی که اهالی در آن اسکان داده شده‌اند، ببینیم. می‌گوید سخت‌ترین روزهای زندگی‌اش را پشت سر گذاشته است. «از شب زلزله مردم را در دو اردوگاه شهید سلیمانی و صالحین اسکان دادیم. علاوه بر آن چادر در اختیارشان قرار دادیم تا آفتابی که می‌خواهند کنار خانه‌هایشان چادر بزنند. مسئولان بنیاد مسکن از ۶ استان برای ارزیابی و آواربرداری اینجا آمده‌اند. از جنوب کشور و شیروز تا آنزلی و تهران و کرج و تبریز و ارومیه همه برای کمک آمدند.

جایی که ایران را پیدا نمی‌کنی که مردم خوی کمک نکرده باشند. تعدادی از هیات‌ها و ارگان‌ها از شب اول موکب برپا کردند و غذای گرم به مردم دادند. در برخی از روستاهای فیروزق ۲۸ باب خانه تخریب شده و در برخی دیگر از روستاها تا ۴۰ باب خانه آسیب دیده است. بعد از زلزله ترکیه و اظهارات قدری در فضای مجازی که خودشان در آن شرکت کرده‌اند. مردم از اینکه رضای کشتکار بخشدار فیروزق با ما همراه می‌شود تا از نزدیک وضعیت خانه‌هایی را که تخریب شده و کمپ‌هایی که اهالی در آن اسکان داده شده‌اند، ببینیم. می‌گوید سخت‌ترین روزهای زندگی‌اش را پشت سر گذاشته است. «از شب زلزله مردم را در دو اردوگاه شهید سلیمانی و صالحین اسکان دادیم. علاوه بر آن چادر در اختیارشان قرار دادیم تا آفتابی که می‌خواهند کنار خانه‌هایشان چادر بزنند. مسئولان بنیاد مسکن از ۶ استان برای ارزیابی و آواربرداری اینجا آمده‌اند. از جنوب کشور و شیروز تا آنزلی و تهران و کرج و تبریز و ارومیه همه برای کمک آمدند.



کنار خانه‌شان باشند و کار بازسازی را زودتر شروع کنند. خیلی از کسانی که اینجا هستند خانه‌هایشان خراب شده و جایی برای زندگی ندارند. این وسط وضعیت مستأجرها بدتر است و نمی‌دانند کجا بروند. با تصویب هیات دولت قرار است مبلغی به عنوان ودیعه مسکن در اختیار خانواده‌هایی که خانه‌هایشان خراب شده، قرار بگیرد که تا زمان بازسازی جایی را رهن کنند. متأسفانه کمک‌هایی که خیرین خودشان می‌خواهند توزیع کنند، مجازات ندارند و ارقام کمکی که ما هم مانع نمی‌شویم و حتی به آنها کمک می‌کنیم. ولی ندانستن برنامه باعث می‌شود برخی چادر و وسایل و امکانات زیادی بگیرند و برخی کم. اعلام کردیم دیپاران روستاهای ما می‌توانند خیرین را برای کمک‌رسانی راهنمایی کنند تا کمک‌ها به دست نیازمندان واقعی برسد. متأسفانه برخی در فضای مجازی اخبار غیرواقعی منتشر می‌کنند و می‌گویند هیچ کمکی به زلزله‌زده‌ها انجام نگرفته است در حالی که همه آنها در چادر اسکان داده شده‌اند. در این میان برخی از هنرمندان و ورزشکاران و حتی باشگاه‌های ورزشی برای زلزله‌زده‌ها کانکس فرستادند و خودشان هم بین آنها توزیع کردند. «

زن در چادر را کنار می‌زند و تعارف‌مان می‌کند داخل بایبیم. دخترش آرام در گهواره خوابیده و مادر سالمندش گوشه چادر نشسته است. می‌گوید همسرش هر روز تا غروب کنار خانه می‌ماند تا کارشناسان بنیاد مسکن برای ارزیابی بیایند. از خدمات‌رسانی در کمپ راضی است اما نگران ادامه این وضعیت و سلامت دخترش است. «صدای سرفه‌ها را می‌شنوید؟ اینجا بچه‌ها مریض می‌شوند. این همه آدم نزدیک به یک ماه است در این

سالن و در چادر زندگی می‌کنند. با وجود آواربرداری ساخت خانه‌ها چند ماه زمان می‌برد و نوروز امسال را باید در همین کمپ و در چادر باشیم. روزهای تلخی است و امیدوارم خدا برای کسی نیآورد. دختر جوانی کتاب به دست وارد سالن می‌شود. می‌گوید سال آخر دبیرستان است اما به دلیل استرس زلزله نمی‌خواهد کنکور بدهد. دانش‌آموز مدرسه شهید اشرفی اصفهانی هستم. طبقه دوم مدرسه‌ما خراب شده و فعلاً مجازی درس می‌خوانیم. کنکور را کنار گذاشتم.»

سر بالایی یکی از کوچه‌های ویران شده را می‌گیریم و بعد از بیچ جاده به کمپ صالحین می‌رسیم. شهید رجایی در اطراف میدان شیخ نوایی خوی می‌رویم. جایی در مرکز شهر که ساکنان خانه‌هایی که آسیب دیده‌اند ترجیح می‌دهند شب‌ها در چادر بمانند. چراغ چند چادر روشن است و چند نفری در گوشه محوطه کساده چوبی را آتش زده‌اند تا گرم شوند. مرد جوانی از ما می‌خواهد تا به خانه‌اش برویم و از نزدیک وضعیت خانه‌اش را نشان می‌دهد و می‌گوید: «۴۰ سال قبل این خانه دو طبقه را ساختم. باور می‌کنی اسکلت فلزی ندارد؟ با این حال در این زلزله‌ها فرو نریخت. ولی همه دیوارها و سقف ترک برداشته و کارشناسان بنیاد مسکن گفتند باید تخریب شود. منتظرم تا آواربرداری کنند و با گرفتن کارگر دوباره خانه‌ام را بسازم.» می‌گوید وقتی زلزله آمد زانویم حسن‌خان که یکی از اعضای خانواده در زلزله زیر آوار جان داد، علقه دادن به کوسفندان بود که سقف ریخت و زیر آوار ماند. اوضاع کمپ صالحین به خوبی کمپ شهید سلیمانی نیست. ۵۰ خانوار در چادرهای زردرنگ در این کمپ اسکان دارند. زن دست کودک‌اش را گرفته و از یکی از چادرهای کمپ بیرون می‌آید. می‌گوید «می‌ترسیم به خانه‌هایمان برگردیم. دیوار و سقف ترک برداشته و با هر پس‌لرزه ممکن است سقف پایین بیاید. دوست نداریم اینجا بمانیم و اگر به

ما چادر بدهند کنار خانه‌هایمان می‌مانیم.» گوشی موبایل‌اش را خوی هر ساعت سایت زلزله نگاری را بررسی می‌کنند. الان نگاه کن همین امروز دو زلزله ۲/۵ ریشتر آمد. هر روز این سایت را نگاه می‌کنیم. شایعه شده ۱۵ اسفند دوباره زلزله ۵ ریشتری می‌آید. حالا تا آن روز صبر می‌کنیم. ۳۰۰ نفر در این کمپ اسکان دارند ولی کمک‌های مردمی کمتر به اینجا می‌رسد. اینجا منطقه بهمین آباد است که مردم آن وضعیت مالی خوبی ندارند. همه کارگر فصلی هستند و الان هم که از کار خبری نیست.»

ساعت از ۱۰ شب گذشته که به کمپ شهید رجایی در اطراف میدان شیخ نوایی خوی می‌رویم. جایی در مرکز شهر که ساکنان خانه‌هایی که آسیب دیده‌اند ترجیح می‌دهند شب‌ها در چادر بمانند. چراغ چند چادر روشن است و چند نفری در گوشه محوطه کساده چوبی را آتش زده‌اند تا گرم شوند. مرد جوانی از ما می‌خواهد تا به خانه‌اش برویم و از نزدیک وضعیت خانه‌اش را نشان می‌دهد و می‌گوید: «۴۰ سال قبل این خانه دو طبقه را ساختم. باور می‌کنی اسکلت فلزی ندارد؟ با این حال در این زلزله‌ها فرو نریخت. ولی همه دیوارها و سقف ترک برداشته و کارشناسان بنیاد مسکن گفتند باید تخریب شود. منتظرم تا آواربرداری کنند و با گرفتن کارگر دوباره خانه‌ام را بسازم.» می‌گوید وقتی زلزله آمد زانویم حسن‌خان که یکی از اعضای خانواده در زلزله زیر آوار جان داد، علقه دادن به کوسفندان بود که سقف ریخت و زیر آوار ماند. اوضاع کمپ صالحین به خوبی کمپ شهید سلیمانی نیست. ۵۰ خانوار در چادرهای زردرنگ در این کمپ اسکان دارند. زن دست کودک‌اش را گرفته و از یکی از چادرهای کمپ بیرون می‌آید. می‌گوید «می‌ترسیم به خانه‌هایمان برگردیم. دیوار و سقف ترک برداشته و با هر پس‌لرزه ممکن است سقف پایین بیاید. دوست نداریم اینجا بمانیم و اگر به

چند نفری از چادرهایشان بیرون می‌آیند و گرد ما جمع می‌شوند. ایران تشرک کنید. آنها در این اوضاع اقتصادی ما را تنها نگذاشتند. امیدواریم با آسان شدن شرایط اداری امیدواریم هرچه سریع‌تر وام بازسازی و مصالح در اختیارمان قرار بگیرد. می‌خواهیم تاسیسات از مردم پذیرایی کنیم.

چند نفری از چادرهایشان بیرون می‌آیند و گرد ما جمع می‌شوند. ایران تشرک کنید. آنها در این اوضاع اقتصادی ما را تنها نگذاشتند. امیدواریم با آسان شدن شرایط اداری امیدواریم هرچه سریع‌تر وام بازسازی و مصالح در اختیارمان قرار بگیرد. می‌خواهیم تاسیسات از مردم پذیرایی کنیم.



برش

